

مبانی فقهی تقنین در حکومت اسلامی*

□ یعقوبعلی برجی**

□ محمدعلی رضایی***

چکیده

انسان براساس عقل، زندگی اجتماعی را برمی‌گزیند و افراد جامعه در زندگی اجتماعی خود و در تعامل با یکدیگر و جهت نیل به اهداف و منافع خویش قطعاً دچار تنازع و خصومت می‌شوند. از این رو برای حفظ منافع خود نیازمند تصویب و تدوین قوانین و مقررات معتبر و مناسب‌اند که تا آن‌ها را به اهداف‌شان برسانند. گرچه در مقابل تعدادی از علما و نخبگان اسلامی، قانون‌گذاری را قبول ندارند و آن را خلاف دین می‌دانند و بر آن مهر بطلان زده‌اند. از این رو قانون‌گذاری فقهی که یکی از منابع و مستندات آن عقل سلیم می‌باشد را رد می‌کنند و همواره تأکید دارند که با قوانین مجعول بشری ممکن است اداره زندگی و معاد و معاش مردم، دچار اختلال و بی‌نظمی گردد. افزون بر این، قانون‌گذاران ممکن است تحت تأثیر شرایط و احوال شخصی و حزبی قرار گیرند و به نفع خود تشریع و تقنین نمایند و فقط خداوند متعال است که به تمام مصالح و زوایای مایحتاج بشر آگاهی تام دارد و راه حل تعارض منافع مردم را به‌خوبی می‌داند. بنابراین در سایه حکومت اسلامی، تنها اطاعت از فرامین و مقررات الهی بر همه لازم و واجب خواهد بود، نه دیگران که حق تعیین تکلیف برای مسلمین را ندارند. لکن انصاف این است که جهت سر و سامان دادن به امور جامعه و حفظ نظام، قانون‌گذاری بر

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۲/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۵/۳۰.

** . دانشیار جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیة (Dikborji@Gmail.com).

***. دانش‌پژوه سطح چهار، رشته فقه سیاسی (نویسنده مسئول) (m.alirezaai814@yahoo.com).

مبنای معتبر فقهی و با تشخیص عقل صریح که پشتوانه شرع دارد، نه تنها جایز بلکه از باب مقدمه واجب، لازم می‌باشد. زیرا در سایه تقنین مشروع، جامعه به فلاح و سعادت رهنمون خواهد شد. بنابراین با مراجعه به منابع فقهی به دست می‌آید که در حکومت اسلامی، به‌منظور فراهم‌آوری نظم اجتماعی و حفظ نظام معاش مردم، امنیت آنان در تمام ابعاد زندگی، اجرای عدالت و توجه به مصالح مردم و رفع فساد و حفظ وحدت کلمه، تأمین منافع و ارزش‌ها و رسیدن به کمال و فلاح، قانون‌گذاری باید صورت بگیرد، وگرنه نظام اسلامی دچار اختلال و هرج‌ومرج می‌گردد و کیان اسلام به خطر می‌افتد و زمینه نفوذ و دخالت دشمنان را فراهم می‌کند. هرچند برای رسیدن به قانون‌گذاری مطلوب ساز و کارها و مقدماتی لازم است که آماده و فراهم گردد.

واژگان کلیدی: فقه، مبانی، تقنین، حکومت، مشروعیت، مصلحت.

مقدمه

موضوع مقاله حاضر، مبانی فقهی تقنین در حکومت اسلامی می‌باشد. مسأله قانون‌گذاری از جمله اموری است که در حکومت اسلامی بدان نیاز است و با تشکیل حکومت اسلامی، عقل سلیم حکم می‌کند که برای برخورداری مردم و جامعه از امنیت و عدالت، تأمین نیازها و حفظ نظام معاد و معاش خویش، همین‌طور جهت ارتباط با کشورهای اسلامی و غیراسلامی در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیازمند مقرراتی است که بر پایه و مبانی فقهی استوار باشد، کاستی‌ها را جبران کند و به مسایل جدید و نوپیدا که دامنگیر مردم و جامعه می‌گردد پاسخ بگوید. همان‌گونه که جامعه اسلامی نیاز به عدالت اجتماعی، امنیت سراسری و نظم عمومی ضرورت دارد، نیازمند قانون‌گذاری مشروع است که ضمن تأمین نیازها بتواند مسلمین را به سعادت و کمال سوق دهد، و این مهم جز در سایه قانون‌گذاری فقهی تحقق نخواهد یافت. از این‌رو تمام مؤمنین باید در اجرای احکام شریعت و پاسداری از قوانین موضوعه‌ای که بر مبنای قسط و عدل و مصلحت عمومی بنیان‌گذاری شده است تلاش کنند و در ایجاد نظام مرفعی سهم بگیرند و حکومت اسلامی را از اخلال و اختلاس نجات دهند تا مصداق حقیقی این حدیث شریف پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ باشند که فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ یکایک‌تان صاحب رعیت و یکایک‌تان مسؤول رعیت خود است (احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۳۶۴).

با مراجعه به آثار فقها و علمای اسلامی می‌توان به آسانی دریافت که میراث فقهی شیعه بیشتر محدود به بیان مسایل عبادی و فردی بوده و در مسائل قانون و قانون‌گذاری که به مصالح تمام نظام و عموم مردم ناظر باشد کمتر وارد شده است. از این‌رو ضرورت تحقیق در مورد مبانی فقهی تقنین در حکومت اسلامی و با عنایت به این‌که امر تقنین در حکومت اسلامی باید مبتنی بر مبانی و ادله معتبر فقهی مثل وجوب حفظ نظام معاش، ضرورت حفظ امنیت، لزوم استقرار عدالت اجتماعی و وجوب قضا و فصل خصومات باشد امری بدیهی است. بنابراین طبق حکم عقل، در حکومت اسلامی تقنین از باب مقدمه واجب، نه تنها جایز بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

مفهوم‌شناسی واژگان

۱. تعریف واژه مبانی

برخی واژه مبنا و مبانی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

بر بنیان‌ها و مصالح و مفاسدی، مبانی اطلاق می‌گردد که قانون بر آن‌ها مبتنی و وابسته است (بنیان و اساس) و معمولاً بر بنیان‌های کلان و اصل تشریع و واژه‌های ملاک، مناط و علت ناظر به بنیان‌های جزئی و موردی تقنین و تشریع از مبانی استفاده می‌گردد (علیدوست، ۱۳۸۶: ص ۸۸-۸۹).

برخی از علما مبنا را به معنی قواعد و اصولی می‌دانند که از آن‌ها می‌توان ادله را به وجود آورد. یعنی مبانی، قواعد و اصولی است که برهان از آن‌ها تشکیل می‌شود، و به این مقدمات و مبادی، مبانی بحث گفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۵۴). بنابراین مبنا در لغت، محل بنای چیزی، شالوده و اساس هر امری را گویند. اما در اصطلاح، قاعده‌ای کلی است که در یک نظریه ایده‌آل و بانظم که دارای جایگاه مشخص ولی بدون تغییر و تبدل رو به جلو حرکت می‌کند تعبیر می‌گردد.

۲. تعریف تقنین

عده‌ای از علما درباره تعریف تقنین گفته‌اند:

تقنین در زبان عربی همان تشریع می‌باشد و به معنای تعدادی از احکام و قواعد است که توسط مجلس قانون‌گذاری تبیین و صادر می‌گردد. البته اغلب در مواردی که این قوانین مربوط به یک و یا چند رشته حقوقی که به صورت علمی و آکادمی باشد، و به این جمع‌آوری تقنین تعبیر می‌گردد. مثل: تقنین مدنی، تجاری و یا جنایی (کعبی، ج ۳۶، ص ۱۰۷-۱۰۸).

تقنین عبارت از قانون است. تقنین؛ یعنی قانون‌گذاران، وضع کردن قانون است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵، ص ۶۸۸۸). همین‌طور تقنین، دین و شریعت را گویند (حداد عادل، ۱۳۸۲: ج ۷، ص ۷۹۷). در تاج العروس تقنین را این‌گونه تعریف شده است: «والتَّقْنِينُ: وهو القانون» (زیبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۸، ص ۴۶۷). آقای داماد در این زمینه گفته است: «در اسلام تقنین، الهی است و قوانین اسلامی از طرف ذات باری تعالی به پیامبر وحی می‌شود و پیامبر حامل وحی و ابلاغ‌کننده احکام خداوندی است» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۱۰).

بنابراین، تقنین یعنی مجموعه احکام و قواعدی که قوه قانون‌گذار وضع و تشریع می‌کند. به عبارت دیگر، احکام فقهی را به صورت قانون درآوردن و یا تنظیم و تصویب جمعی از قواعد و مواد قانونی در قالب‌های دستوری، کوتاه و شفاف که درباره مسایل مردم جامعه و کشور مطرح است و جنبه الزام‌آوری دارد.

رابطه فقه و قانون در حکومت اسلامی

باید توجه داشت که علما و بزرگان دین، همین‌طور حقوقدانان در حکومت اسلامی در تلاش‌اند تا قواعد و احکام موجود در متون فقهی، آیات و روایات به‌ارث‌مانده از خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام را به صورت قوانین مدون توسط مجلس قانون‌گذاری جعل و تشریع کنند. در این باره از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که: «شَرِّقًا وَ غَرَبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ یعنی شرق و غرب عالم را بگردید، علم

درست و صحیحی را که از غیر ما اهل بیت علیهم السلام خارج و بیان شده باشد نخواهید یافت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۹۹). همین طور از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عَلَيْنَا الْقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ»؛ وظیفه ماست که مبانی و اصول را برای شما بیان کنیم، و بر شماست که فروع دین و احکام شرعی را از این اصول اساسی برداشت کنید و به اجراء بگذارید (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۵۷۵). در این باره یکی از محققان می گوید: «فقیه باید این قانون ها را یک به یک با قواعد شرع تطبیق بدهد، ببیند کجای آن با شرع مخالف و کجای آن موافق است. ... چنانچه حقوقدان، منابع اولیه فقه دست او باشد و بتواند قوانین را براساس قواعد شرع وضع کند، همانند یک فقیه خواهد بود» (هادی معرفت، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۳۴۹-۳۵۰). در نظام برگرفته از مبانی پُربار فقهی و ارزش های والای الهی، حاکم اسلامی برنامه های مناسب تدارک دیده است تا اهداف دین را به سرمنزل مقصود راهنمایی نماید. در حکومت اسلامی همگان در برابر قوانین مساوی و مطیع خواهند بود. به عبارت دیگر، حکومت اسلامی یعنی حکومت قانون در تمام شئون زندگی افراد در هر سویه و مقام که باشند. حتی وجود معصومین علیهم السلام در مقابل قوانین با دیگران برابرند و همه مأمور به اطاعت از مقررات دینی هستیم (امام خمینی، ۱۳۷۳: ص ۴۴-۴۵).

در مورد رابطه فقه و قانون دو نظریه مهم و اساسی در آن وجود دارد؛ نگاه نخست این است که قانون را باید فقهی کرد؛ بدین بیان که قانون اصل است و وظیفه ما جز این نیست که تلاش نماییم قانون را در جاده فقه رهنمون کنیم تا یک قانون ایده آل اسلامی انسانی خدایسند ارائه دهیم. نظریه دیگر این است که به فقه و کارکردهایش توجه کنیم؛ یعنی فقه را قانونی بسازیم، هرچند که اصالت با فقه است. از این رو متناسب این است که بر تن فقه، لباس قانون بپوشانیم و در میدان عمل پیش کش نماییم (مبلّغی، ۱۳۹۲: ص ۱۹۶). مطابق این باور که معصومین علیهم السلام در زمینه تبیین و تشریع احکام، مبسوط الید بوده اند برای علما و فقها که نائب حقیقی آنان اند نیز این موضوع جاری و ساری است. به عقیده محقق کرکی، فقیهان شیعه اتفاق نظر دارند که فقیه از سوی ائمه هدی علیهم السلام در همه اموری که نیابت در آن دخل دارد، نایب است. او بر مبنای عموم نیابت معمولاً احکامی را که در فقه از اختیارات امام

معصوم علیه السلام شمرده شده است، برای نایب او نیز مطرح می‌کند مگر این‌که دلیلی برخلاف آن وجود داشته باشد (یعقوبعلی برجی، ۱۳۹۰: ص ۳۸۵).

مبانی مشروعیت قانون‌گذاری در حکومت اسلامی و ادله آن

همه افراد بشر در تلاش‌اند تا یک زندگی همراه آرامش و امنیت داشته و در سایه آن زندگی روزمره خود را به سرانجام برسانند. در حکومت اسلامی نیز، هر نوع قانونی نمی‌تواند به نیازهای انسان جواب سازنده و قانع‌کننده بدهد. چنان‌که در اصل ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح گردیده است مجلس شورای اسلامی حق ندارد قوانینی وضع کند که با موازین شرعی و اصول مذهب حقه جعفری مخالفت داشته باشد و مغایر قانون اساسی باشد. البته تشخیص این‌ها با اعضای شورای نگهبان خواهد بود (حشمدار، ۱۳۹۰: ص ۴۱۲).

۱. ضرورت مصلحت در قانون‌گذاری در حکومت اسلامی

می‌توان از جمله مبانی فقهی تقنین و قوانین موضوعه، مسأله مصلحت و حفظ آن را در حکومت اسلامی دانست. یعنی در بحث قانون‌گذاری باید به مصالح عمومی توجه شود وگرنه ظلم و فساد گریبان‌گیر مردم و حکومت اسلامی به هرج و مرج و آشوب مبتلا خواهد شد.

این بحث را با سخنی از مقام معظم رهبری مدظله‌العالی را آغاز می‌کنیم. ایشان درباره ضرورت مصلحت عمومی فرموده است:

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

۱-۱. دلیل اول: آیات

در آیات بسیاری از قرآن کریم، ضرورت حفظ صلاح و مصلحت به‌طور صریح یا به‌طور ضمنی

و غیر مستقیم، بیان شده است. در این جا به منظور رعایت اختصار به دو آیه اشاره می شود:

در سوره مبارکه بقره و درباره گروه منافقان آمده است: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ»؛ وقتی به آنان (منافقان) گفته شود که در زمین فساد نکنید، می گویند «ما فقط مصلحان ایم». آگاه باشید که آنان خود مفسدان اند و لکن نمی فهمند (بقره، آیات ۱۱-۱۲). نزدیک به همین سیاق در سوره مبارکه اعراف آمده است: «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»؛ و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید و خداوند را از روی خوف و طمع بخوانید؛ به حقیقت، رحمت خداوند، نزدیک نکوکاران است (اعراف، آیه ۵۶).

۲-۱. دلیل دوم: روایات

درباره ضرورت رعایت صلاح و مصالح فرد و جامعه، روایات بسیاری از ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده است. در این جا به دو مورد اشاره می شود:

امیر مؤمنان علیه السلام در یکی از خطبه های خود فرموده است: «آگاه باشید... آسمان و زمین مأمور رساندن منفعت برای شما گشته اند و اطاعت امر می نمایند و آن دو برای برآوردن حدود مصالح شما برپا داشته شده اند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳). امام سجاد علیه السلام به محضر پروردگار متعال، عرض می کند: «به چشم محبت به من بنگر، و در همه امور، مصالح مرا در نظرگیر؛ زیرا اگر مرا به خود واگذاری در کارم فرو مانم و به کاری که مصلحت من در آن است نپردازم» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۱: دعای ۲۲، ص ۱۲۷).

۲. حفظ نظام، مبنای قانون گذاری در حکومت اسلامی

اموری مثل قانون گذاری و مقرراتی که در جهت حفظ نظام و یا جلوگیری از اختلال و هرج و مرج وضع می شوند را می توان به عنوان مقدمه واجب فرض کرد. بدین معنی که حفظ نظام واجب است و عقلای عالم همگی بر این امر اعتقاد دارند که مشروعیت فقهی قانون گذاری با حفظ نظام و نظام معیشتی همگانی به وجود خواهد آمد. یعنی حفظ نظام

جز با وضع مقررات و تقنین فقهی، میسر نخواهد شد و حفظ نظام از جمله نظام معیشت و اقتصاد واجب است و اختلال در آن جایز نیست؛ پس فراهم نمودن مقدماتش از جمله قانون‌گذاری نیز واجب می‌باشد. یکی از علما نیز قایل است که از نگاه شرع مقدس حفظ نظام مسلمین از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین تأمین مقدمات آن هم به حکم عقل و فطرت لازم می‌باشد (منتظری، ۱۴۱۷ق: ص ۳۵۹).

۲-۱. دلیل اول: آیات

قرآن کریم درباره حفظ نظم و نظام عمومی و رفاه اجتماعی مردم و این که حفظ نظام معاش اجتماعی دارای اهمیت فوق‌العاده است و تشتت و اختلاف امری ناپسند می‌باشد می‌فرماید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ به ريسمان خداوند، همگی چنگ زنید و متفرق نشوید و نعمت خداوند را بر خود یاد آورید؛ آنگاه که دشمنان هم بودید و خداوند بین دل‌های تان الفت پدید آورد و به نعمت او برادران هم شدید و بر لبه پرتگاه آتش بودید و خداوند شما را از آن نجات داد. خداوند بدین سان آیات خود را بیان می‌کند تا مگر هدایت یابید (آل عمران، آیه ۱۰۳).

در جایی دیگر و نزدیک به همین سیاق، فرموده است:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ مردمان، امت یگانه‌ای بودند؛ خداوند پیامران بشارت‌دهنده و اندازکننده‌اش را برانگیخت و همراه آنان به حق کتاب نازل کرد تا میان مردم درباره آنچه در آن اختلاف کرده‌اند داوری کند؛ و در آن اختلاف نکردند جز آنان که اهل کتاب بودند، پس از آن که دلایل روشن الهی به ایشان رسیده بود، از روی بغاوت و ستم؛ پس خداوند، اهل

ایمان را در آنچه اختلاف کرده بودند به اذن خویش به سوی حق، رهنمون شد؛ و خداوند هرکس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند (بقره، آیه ۲۱۳).

آیاتی درباره حفظ نظام معاش

در این جا مناسب است در خصوص حفظ نظام معاش مردم و جلوگیری از فاصله طبقاتی و این که این مسأله چه قدر از اهمیت برخوردار است آیاتی از کلام الله مجید را به عنوان ادله و منبع متذکر شویم:

نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْحِيًّا؛ ما معیشت‌شان را میان‌شان در حیات دنیا قسمت کردیم؛ تا [در اثر غرور و فریفتگی] برخی به تمسخر برخی دیگرشان بپردازند (زخرف، آیه ۳۲).

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِكَ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكُنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ؛ و چه بسا شهرها که در معیشت خود طغیان کردند هلاک کردیم؛ آنک مسکن‌هاشان که پس از ایشان جز اندک‌زمانی سکنی نشد و ما خود وارثان آن‌ها بودیم (قصص، آیه ۵۸).

وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ و هر آن‌کس که از یاد من رویگردان شود به حقیقت زندگی تلخی خواهد داشت و روز قیامت او را کور، محسور می‌کنیم (طه، آیه ۱۲۴).

خداوند متعال به‌طور شفاف می‌فرماید که هرکس در استفاده از نعمتی که میان‌شان قرار داده‌ام، کُفران نماید؛ زندگی تلخ و تاریکی برای خود رقم خواهد زد که هم در این دنیا روی امنیت و رفاه را نخواهد دید و هم در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. از این‌رو حفظ نظام معاش و معاد با هم توأمان‌اند.

۲-۲. دلیل دوم: روایات

حضرت امام علی علیه السلام درباره نظم و نظام اجتماعی فرموده است:

أَوْصِيَكُمْ بِأَمْرِ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ

صَلَّاحَ ذَاتِ يَتِيمِكُمْ؛ شما و همه فرزندان و دودمانم و هرکسی را که نامه من به او برسد توصیه می‌کنم به تقوای الهی و نظم امور خویش و اصلاح میان مسلمانان» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

مرحوم مجلسی از کتاب فقه الرضا (علیه السلام) نقل کرده است که:

إِعْلَمَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَّ كُلَّ مَا يَتَعَلَّمُهُ الْعِبَادُ مِنْ أَنْوَاعِ الصَّنَائِعِ مِثْلَ الْكِتَابِ وَالْحِسَابِ وَالتَّجَارَةِ وَالتَّجُومِ وَالطَّبِّ وَسَائِرِ الصَّنَاعَاتِ ... الَّتِي يُحْتَاجُ إِلَيْهَا مِمَّا فِيهِ مَنَافِعُ وَقَوَائِمُ مَعَاشٍ وَطَلَبُ الْكَسْبِ فَحَلَالٌ كُلُّهُ تَعْلِيمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَأَخْذُ الْأُجْرَةِ عَلَيْهِ؛ بدان - خداوند رحمت کند- که همه انواع صنعت‌ها که بندگان می‌آموزند؛ از قبیل نوشتن، حساب، تجارت، نجوم، طب و سایر صناعاتی که مورد نیازشان است و منافع و پایه‌های معاش و طلب کسب‌شان در آن‌هاست، یادگیری همه آن‌ها و عمل به آن‌ها و گرفتن اجرت از آن‌ها حلال است (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۱۰۰، ص ۵۲).

همین‌طور امام زین العابدین (علیه السلام) در مناجات با خالق و رازق خویش چنین نجوا می‌کند: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَضِيَ بِحُكْمِ اللَّهِ، شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَاشِ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ، وَ أَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ؛ ستایش خداوند یگانه را از روی رضایت به حکمش! شهادت می‌دهم که خداوند معایش بندگان را به عدل، قسمت کرده و بر همه خلقش با فضل و بخشش آغاز کرده است (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۱: دعای ۳۵، ۱۸۷).

و در جایی دیگر، عرض می‌کند:

و نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ؛ و به تو پناه می‌بریم از سرزنش دشمنان و احتیاج به همگنان و زندگی در سختی (همان، دعای ۸، ۶۸).

با توجه به روایات یادشده، دلالت روایات بر حفظ نظام و منع از آشوب و بلوا بدین‌صورت است که هر چیزی که نظام معیشت اجتماعی بدان وابسته باشد، شریعت اسلام آن‌ها را واجب کفایی دانسته و تعلیم و تعلم آن‌ها را لازم می‌داند. مثلاً در حوزه‌های گوناگون اجتماعی از قبیل دانستن و اجرا نمودن علم نظامی، اقتصادی، پزشکی و یا

حرفه‌های فنی و مهندسی و جز این‌ها که اگر کسانی آن را یاد گیرند هم گناهی همگانی است و هم نظام جامعه از هم می‌پاشد.

۲-۳. دلیل سوّم: حکم عقل

از ابتدای اسلام تا اکنون چیزی که برای ترقی جامعه و مردم لازم است حفظ نظام از آسیب و بلوای اجتماعی می‌باشد. بر این اساس است که اندیشمندان و نخبگان بی‌شماری بدان پایبندی دارند و اجراء و ایجاد نظام هماهنگ با فطرت و دین را در جامعه لازم و هرگونه اختلال را باعث فساد و تباهی و زمینه نفوذ و مداخلات بیگانگان می‌دانند و مهم‌ترین دلیل بر وجوب آن نیز حکم عقل است (شریعتی، ۱۳۸۷: ص ۲۵۱-۲۵۲). از این رو اگر قاعده اختلال نظام حجیت نداشته باشد نظام معاش مردم بهم می‌خورد. از باب نمونه، اگر انسان اعتماد بر بازار مسلمین نداشته باشد، و به این خیال که معامله در آن جا و ذبایح و گوشتی که در آن جا وجود دارد شاید حلال و ذبح شرعی نشده باشد و اصالت عدم تذکیه و استصحاب عدم تذکیه را علم نماید، لازم می‌شود که هرکدام مستقلاً اقدام به ذبح نماید و این کار باعث مشقت شده و لازمه آن تعطیل شدن خرید و فروش حیوان و ذبح آن و در نهایت منجر به اختلال نظام معاش و زندگی مردم خواهد شد. پس حفظ نظام اقتصادی و زندگی مردم بر پایه حجت بودن بازار مسلمین استوار می‌باشد؛ چنان‌که بنای عقلاً در معاملاتشان بر این امر متوقف است و از ناحیه شارع حکیم منعی از این بنای عقلایی وارد نشده است، بلکه شارع آن را امضاء هم فرموده است (سیفی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۶).

بنابراین ارتباط بین حکم عقل و حکم شرع، مع بر کسی پوشیده نیست. از این رو به خوبی معلوم می‌گردد هر جا که عقل سلیم و صریح حکمی را درک نمود شرع نیز به آن کمک می‌کند و او را یاری می‌رساند. به هر حال در یک استدلال فشرده منطقی، می‌توان چنین گفت که: «حفظ نظام عقلاً واجب است (صغری) و هرچه عقل آن را لازم بداند شرع نیز واجب می‌داند (کبری)؛ پس نتیجه این می‌شود که حفظ نظام واجب است».

در موضوع بحث حاضر، از این حکم عقل، چنین استفاده می‌بریم که قانون‌گذاری از

باب مقدمه واجب که نظام اجتماعی بدان نیازمند است و هرگونه اختلال در آن را نهی و منع می‌کند، واجب است. از همین جاست که شارع مقدس اسلام برای حفظ مال ایتام و بی‌سرپرستان و کارهای ضروری تا جایی پیش رفته‌اند که لحظه‌ای راضی به ترک آن‌ها نیست؛ پس چه‌گونه برای نظم بخشی اجتماع، دستوراتی را لازم نداند و قانون‌گذاری در این زمینه را نخواهد و یا راضی به اختلال و آشوب گردد تا هرکس طبق مصالح و نفع فردی و خانوادگی و ملی خود جعل قوانین کند تا در نهایت، سنگ روی سنگ بند نیاید؟

۳. حفظ امنیت، مبنای قانون‌گذاری در حکومت اسلامی

آوردن امنیت و وجوب حفظ آن در حکومت اسلامی از بالاترین وظایف حاکمان مسلمان می‌باشد تا مبدا به نظام و جامعه اسلامی خلل و آسیبی وارد گردد. میزان مهم بودن امنیت، را از آیات محکم الهی می‌توان استفاده کرد.

۳-۱. دلیل اول: آیات

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ و خداوند شهر ایمن و آرامی را مثال زده است که روزی‌اش به‌وفور از هرجایی می‌رسید؛ سپس به نعمت‌های خداوند کفران کرد؛ پس خداوند آن لباس گرسنگی و ترس، چشانید؛ به جزای آنچه انجام می‌دادند (نحل، آیه ۱۱۲).

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آنان را در زمین، جانشین خواهد کرد؛ بدان‌گونه که پیشینیان را جانشین کرد؛ و برای‌شان دینی را که برای‌شان پسندیده است مکتب و منزلت خواهد بخشید و پس از خوف، امنیت‌شان عوض خواهد داد

تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من ن سازند؛ و کسانی که پس از آن، کفر ورزند، ایشان به حق فاسقان اند (نور، آیه ۵۵).

با بهره گیری از این آیات درباره مسأله امنیت و حفظ آن در جامعه می توان به این نتیجه رسید که در حکومت اسلامی، فرق بین حکومت بدوی و ستمگر با حکومت رحمانی و الهی با حفظ امنیت تجربه می شود. از این رو در تمام حوزه ها از جمله در امر مهم قانون گذاری می طلبد که بر مبنای حفظ امنیت و توجه به کرامت انسانی، قانون گذاری صورت گیرد تا اختلاف و دعوا و نا امنی و ترس از جامعه اسلامی رخت بربندد.

۲-۳. دلیل دوم: روایات

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه های نهج البلاغه به محضر پروردگار متعال، عرض می کند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُتَأَسِّسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرَدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ؛ پروردگارا تو خود می دانی که آنچه از ما سر زد رقابت بر سر قدرت و طلب چیزی از مال بی ارزش دنیا نبود؛ بلکه برای آن بود که معارف دینت را بازگردانیم و اصلاح را در سرزمین هایت آشکار سازیم؛ تا بندگان ستم دیده ات امنیت یابند و حدود معطل مانده ات اقامه شوند (نهج البلاغه، خطبه ۳۱، بند ۲).

در مناجات بلند و عارفانه امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

فَهَبْ لِي - يَا إِلَهِي - مِنْ رَحْمَتِكَ وَ دَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا اتَّخَذَهُ سُلَمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ آمَنْ بِه مِنْ عِقَابِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ پس ببخش برای من، ای خدای من! از رحمت و دوام توفیق خود آنچه را که نردبان عروج به رضوانت سازم و با آن از کيفرت ایمن گردم؛ ای رحم کننده ترین رحم کنندگان (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۱: دعای ۴۹، ص ۲۹۸).

۴. اجرای عدالت اجتماعی مبنای قانون گذاری در حکومت اسلامی

آنچه از کلمات و سخنان علما و حقوق دانان اسلامی فهمیده می شود این است که در اسلام

ضرورت عدالت اجتماعی در جامعه برای همه مثل روز روشن است؛ چراکه اگر عدالت و اعطای حق به ذی حق در حکومت اسلامی محقق نگردد، دیگر از حفظ نظام و امنیت عمومی خبری نخواهد شد. از این رو قانون گذاری باید براساس تأمین عدالت جمعی و رسیدن افراد به حقوق شان ایجاد گردد تا نظم و رسیدن به کمال و رسیدن به سعادت و حفظ ارزش ها در حکومت اسلامی به بار نشیند. در این جا از کلام پروردگار متعال کمک می گیریم و آن را دلیل بر مدعای خویش قرار می دهیم.

۴-۱. دلیل اول: آیات

شریعت اسلام، عالی ترین نوع قضاوت و ملاک در قانون گذاری را استقرار عدالت همه جانبه و تأمین حقوق مردم و زندگی عادلانه در حکومت اسلامی بیان داشته است. این مبنای بارزش و مهم در آیات و کلام الهی چنین آمده است:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ به حقیقت، رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان، نازل کردیم تا مردم اقامه قسط کنند (حدید، آیه ۲۵).

از این روست که قرآن کریم عدالت اجتماعی را به عنوان یک ایدئولوژی و هدف اصلی برای تمام پیامبرانش بیان فرموده است.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ همانا خداوند امرتان می کند که امانت ها را اهل شان بسپارید و هرگاه بین مردم حکم کردید به عدالت حکم کنید (نساء، آیه ۵۸). «یا داوود إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ؛ ای داود! ما تو را خلیفه در زمین قرار دادیم؛ پس بین مردم به حق حکم کن و از هوای نفس، پیروی مکن (ص، آیه ۲۶).

به هر حال، از آیات کلام الله استفاده می شود که خداوند متعال دستور فرموده است که در جامعه عدالت برپا گردد تا جلو مفساد و منکرات گرفته شود. پس مبادا از راه راست خارج شویم، که خداوند همواره بر اعمال و رفتار ما حاضر و ناظر است. از این رو اگر

قانون‌گذاری بر مبنای عدالت اجتماعی شکل‌نگیرد اهداف رسالت و امامت در حکومت اسلامی ایجاد نمی‌شود و تفاوت جامعه جاهلی و جامعه مدنی زیر سؤال خواهد رفت.

۴-۲. دلیل دوم: روایات

روایات زیادی از معصومین علیهم‌السلام در این باب وارد شده است که از باب تیمن و تبرک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. از رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روات شده است که:

سَاعَةُ إِمَامٍ عَادِلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً؛ وَ حَدُّ يُقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛ یک ساعت امام عادل از عبادت هفتاد سال، برتر است و حدی که برای خدا اقامه شود بر باران چهل‌روزه برتری دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۸، ص ۱۲-۱۳).

امام علی علیه‌السلام در این باره فرموده است:

وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ صَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلَ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ؛ به خداوند سوگند! حتی اگر دریابم که با مال بیت‌المال، زنان را به ازدواج درآورده و کنیزان را خریده‌اند باز می‌گردانم؛ زیرا که در عدالت، وسعت است و آن‌کس که عدالت بر او تنگ باشد ستم، تنگ‌تر خواهد بود (نهج البلاغه، خطبه ۱۵).

از امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده است:

عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَدْفَعَ مَا عِنْدَهُ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ وَ أُمِرَتِ الْأَئِمَّةُ أَنْ يَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ وَ أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَتَّبِعُوهُمْ؛ بر امام است که آنچه نزد اوست به امام پس از خود بسپارد و امامان مأمورند که به عدالت حکم رانند و مردم نیز مأمورند که از آنان اطاعت کنند (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۳، حدیث ۳۲۱۷، ۳).

بنابراین، اجرای عدالت در حکومت اسلامی لازم و باعث گشایش کارها و تنظیم امور جامعه است. همین‌طور حکم راندن حاکم عادل در جامعه اسلامی ارزشش از هفتاد سال عبادت بیشتر است. یکی از محققان این عرصه درباره جایگاه عدالت در نظام فکری الهی می‌نویسد:

فطرت‌گرایی از آن جهت که سبب می‌شود عدالت بر رفتار، گفتار و اندیشه انسان

حاکم شود و عدل و عدالت در هرجای و در هرکسی که باشد به حکم عقل و خرد نیکو و حسن است، ستایش الهی را در پی دارد (رحمانی زروندی، ۱۳۸۹: ۳۷).

۵. وجوب قضاوت و فصل خصومات مبنای قانون‌گذاری در حکومت اسلامی

قضاوت و فصل نزاع و آشتی میان مسلمین و مؤمنین از جمله ارکان مهم حکومت اسلامی است که در قانون‌گذاری باید به آن توجه شود. قانون‌گذاری اگر بر این مبنا استوار نگردد، ظلم و مناقشه در جامعه رشد می‌کند و نظام اسلامی دچار اختلاف و تشتت خواهد شد و این به نفع احدی نخواهد بود. این مهم را می‌توان از لابلای آیات الهی و روایات معصومین علیهم‌السلام به دست آورد.

۱-۵. دلیل اول: آیات

آیات زیادی در مورد وجوب قضاوت و فصل خصومات آمده است که به مقدار نیاز به آن‌ها اشاره می‌شود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ جز این نیست که مؤمنان برادران همدیگرند؛ پس میان برادران خود اصلاح کنید (حجرات، آیه ۱۰). اگر بر نزاع و تشتت و خصومت‌ها اصرار شود طبق آموزه‌های دینی و آیات الهی، زندگی جمعی از هم می‌پاشد و جنگ‌های خانمان‌سوز امروز در کشورهای اسلامی، گواه صادق این مدعاست. از این رو قرآن کریم فرموده است:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ خدا و رسولش را فرمان برید و تنازع نکنید که سست شوید و هیبت‌تان از بین برود؛ و صبر پیشه کنید که خداوند با صابران است (انفال، آیه ۴۶).
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ و به ریسمان خداوند، همگی چنگ زنید و متفرق نشوید؛ و یاد کنید نعمت خداوند بر خودتان راغ‌آنگاه که دشمنان همدیگر بودید و بین دل‌هاتان الفت پدید آورد و با نعمت او بردران هم شدید (آل عمران، آیه ۱۰۳).

از این رو خداوند منان به همه مؤمنین به‌ویژه حاکمان و زمامداران دستور داده است که در صورت نزاع برادران‌تان، باید میان‌شان آشتی برقرار کنید و عدل و صلح را برای‌شان به سرانجام رسانید.

وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ و اگر دو گروه از مؤمنان با هم جنگیدند میان‌شان صلح کنید؛ پس چنانچه یکی بر دیگری تجاوز کرد با گروه بغاوت‌گر بجنگید تا به امر خداوند بازگردد؛ پس اگر بازگشت بین‌شان به عدل و قسط، صلح کنید؛ زیرا که خداوند دادپیشگان را دوست می‌دارد (حجرات، آیه ۹).

بنابراین خداوند منان اصلاح و صلح را خیلی دوست دارد و در آن نفع زیادی قرار داده است. اما نزاع و دشمنی را باعث دوری از یاد الهی و سبب خسران دینی و دنیایی می‌داند. در حکومت اسلامی باید براساس نیازهای جامعه اسلامی مقررات مناسب تدوین و به اجرا گذاشته شود تا هم ماده فساد قطع گردد و فصل خصومت صورت بگیرد و هم جامعه اسلامی از گسیختگی و تنازع نجات یابد و به امنیت و رفاه برسد.

۲-۵. دلیل دوم: روایات

اهمیت فصل خصومت و ایجاد وحدت مسلمین بر کسی پوشیده نیست؛ چنان‌که در امام علی علیه السلام در روایتی می‌گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ»؛ اصلاح روابط مردم از نماز و روزه بالاتر است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۲۲). امام علی علیه السلام به‌خاطر حفظ وحدت مسلمین و حفظ کیان اسلام، از حق و حقوق الهی خود گذشت و در برابر فتنه‌گران صبر و بردباری پیشه کرد؛ چنان‌که می‌فرماید: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَىٰ هَاتَا أَحْجَىٰ فَصَبَرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدْ دَىٰ وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا»؛ پس دیدم که صبر بر این مظلومیت، خردمندانه‌تر است؛ پس خار در چشم و استخوان در گلو، شکیبایی ورزیدم! (نهج البلاغه، خطبه ۳). امامان اهل بیت علیهم السلام در همین راستا به جهت حفظ جان مؤمنین، آن‌ها را از مخالفت با عمال جور منع فرموده و توصیه

کرده‌اند که «اگر در میان خودتان فردی را ببایید که احکام ما را بلد باشد تا رفع نزاع کند بهتر است». امام سجّاد (علیه السلام) فرموده‌اند:

هرگاه در زمان حکومت پیشوایان جور واقع شدید به همان احکام صادر از ایشان عمل کنید و خود را سر زبان‌ها نیندازید و مشهور به مخالفت ننمایید که موجب هلاکتان می‌شود و اگر بتوانید بین خودتان مطابق احکام ما اهل بیت رفتار کنید و فصل خصومت نمایید البتّه این، برای شما بهتر است (صدوق، ۱۴۰۹ق: ترجمه ج ۴، ص ۴).

مبانی مخالفان قانون‌گذاری در حکومت اسلامی و ادله آنان

علی‌رغم آنچه درباره اصل مشروعیت قانون‌گذاری و مبانی تقنین در حکومت اسلامی بیان شد و بر خلاف ادله‌ای بر لزوم و مشروعیت آن ارائه گردید برخی از علما و بزرگان، تقنین به صورت عام و گسترده را از ناحیه هرکسی را قبول ندارند. آنان تصریح دارند که لازم است جایگاه خالق و مخلوق تمیز داده شود و ضروری است که تقنین در چارچوب شرع و با رضایت الهی صورت بگیرد. از این دیدگاه، در خود قانون‌گذار شرط است که علم به نیازهای جامعه و عدالت و اموری از این قبیل را دارا باشد تا با قوانین او مردم به سعادت رسند و اغتشاش و اختلال نظام به وجود نیاید و این اوصاف، خاص پروردگار عالم است.

۱. مبناي فقهی مرحوم شیخ فضل‌الله نوری

از جمله کسانی که قانون‌گذاری بدون قید و شرط را قبول ندارد و آن را بدعت در دین می‌داند، مرحوم شیخ فضل‌الله نوری می‌باشد. مبناي فقهی ایشان این است که ذات باری تعالی به سعادت و عدالت و مصالح جمعی افراد در پرتو جعل احکام اجتماعی عنایت ویژه نموده است. از این رو او، احاطه کامل به نیازهای مخلوقات خویش دارد، و از هیچ چیزی که برای تأمین خواسته‌های برحق انسان لازم به نظر می‌رسد، فروگذاری نکرده است. زیرا به خواسته‌ها و نیازهایی که سعادت هر دو جهان بشر را تأمین می‌کند و یا به عدالت و مصالحی که مورد نیاز بشر باشد آگاهی تام و تمام دارد. آری؛ اگر تنظیم روابط اجتماعی و اصلاح امورات مردم و رتق و فتق حکومت اسلامی در گرو جعل قوانین بسیار ضروری، مثل

قوانین راهنمایی و رانندگی و هرچیز دیگری که برای سعادت مردم بدان‌ها نیاز می‌باشد، احساس گردد، فقط در این مورد آن‌هم در دایره شریعت و بر محور دین اسلام و با نظارت دقیق فقها می‌توان تقنین را اجازه نمود؛ نه در همه‌جا (شیرودی، ۱۳۷۳: ص ۱۵۹-۱۶۱).

در زمان مشروطه، دو جبهه متفاوت وجود داشت و مرحوم شیخ فضل‌الله نوری قایل بود که بهترین قوانین، مقرراتی است که خداوند متعال برای مردم و جامعه بشری بیان نموده است. قوانین الهی صرفاً در دایره عبادات نمی‌چرخد، بلکه به تمام مایحتاج مردم «حتی ارش علی الخدش» را مورد توجه قرار داده است. زیرا او جَلَّ وَعَلَا خالق انسان است و تمام نیازهای مردم را در هر شرایط زمانی و مکانی و در حوادث جدید مد نظر گرفته است؛ وگرنه دین و آیین الهی جامع و کامل نخواهد بود.

در هر حال، از این منظر، ایجاد قوه مقننه در کشور اسلامی منجر به بدعت و ضلالت می‌شود؛ زیرا اولاً نوشتن قوانینی بشری در مقابل قوانین الهی صورت می‌پذیرد؛ ثانیاً الزام نمودن مردم به اطاعت از قوانین مجعوله‌ای که شریعت آن را تأیید نکرده است به وجود می‌آید؛ ثالثاً مکافات کردن مردم به بهانه عدم تمکین از قوانین موضوعه را به دنبال خواهد داشت. البته شیخ شهید با اصل قانون‌گذاری به معنای برنامه‌ریزی مخالفت ندارد، همین‌طور مجلس قانون‌گذاری و کارکرد آنان را قبول دارد؛ به این شرط که قانون‌گذاری در امور شخصی باشد و اگر در امور عمومی بود مشروط به این است که قوانین مجلس تقنینی، مخالف اسلام و بر خلاف قرآن کریم و سنت و مذهب جعفری نباشد (نرجس ابوالقاسمی، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۳).

۲. مبنای فقهی مرحوم علامه حلی

علامه حلی نیز مثل بقیه بزرگان دینی توجه به فلاح و سعادت مردم را سرلوحه مبنای فقهی خویش قرار داده است. از دید ایشان چنانچه وضع قوانین از سوی مردم صورت پذیرد ممکن است جامعه دچار بی‌نظمی شود و گرفتار اختلال و اغتشاش گردد. صریح کلام ایشان بدین صورت است:

بعد از آن‌که ثابت شد که فهم و درک انسان محدود است و توانایی درک تمام حقایق را ندارد، پس بناچار انسان نیازمند نظام و قانونی می‌باشد تا کارها برایش آسان شود و

قانون او را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون گردد و صدور و وضع چنین قانونی جز از عقل کُل و مطلق که بر همه چیز اشراف دارد ممکن نیست؛ زیرا عقل انسانی که قاصر و محدودیت دارد چه گونه ممکن است قانون گذار باشد؟ و بر فرض که قانون گذاری نماید تا معاد و معاش مردم را اداره و کارهای آنان را مدیریت کند چنین قانونی حتماً ناقص خواهد بود. بنابراین روشن خواهد گردید که قوانین موضوعه، ناگزیر باید از ناحیه خداوند منان و حکیم وضع و صادر شود که احاطه بر تمام اشیاء و به وجود آورنده این عقل قاصر و ناقص می باشد (علامه حلی ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۸).

۳. مبنای فقهی مرحوم محقق کرکی

نگاه و مبنای فقهی مرحوم کرکی درباره دخالت و تصرف فقه در امر تقنین و تشریع بدین گونه است که در تمام زمان ها و مکان ها فقه اسلامی جلودار است و سر رشته جعل قوانین را بر عهده دارد و غیر از مقررات ذات احادیث که شارع و قانون گذار اولی و اصیل است، بقیه احکام و تقنینات، فرعی و مجازی خواهد بود. جعل احکام فقهی از سوی خداوند براساس مصالح جوهری و بنیادین شکل گرفته و در قرآن کریم و سنت پاک معصومین: به خوبی متجلی شده است. از این رو، اطلاق عنوان «شارع» بر ذات احادیث، میان علمای اسلام امری اجماعی است و از سوی دیگر، در گفتار و رفتار بزرگان اسلام به خوبی مشاهده می شود که عنوان «شارع مقدس» تنها برای خداوند متعال زینده است و آن ها تنها او جَلَّ جَلَالُهُ را قانون گذار اول و بلانظیر می دانند (کرکی، ۱۴۱۴ق: ص ۵).

بررسی مبانی و ادله مخالفین قانون گذاری در حکومت اسلامی

مبانی و مستندات که از لایه لای نوشته های مخالفان قانون گذاری در حکومت اسلامی به دست می آید در چهار فقره زیر، قابل تلخیص است:

یک) خداوند به تمام مصالح و زوایای مایحتاج بشر آگاهی تام دارد، و راه حل تعارض منافع مردم را به خوبی می داند؛

دو) قانون‌گذاران احتمال دارد که تحت تأثیر شرایط و احوال شخصی و حزبی قرار گیرند و به نفع خودشان تشریع و تقنین کنند. اما شأن خداوند متعال منزّه از این‌گونه اثرپذیری و توجه به منافع خود است؛

سه) انسان از این لحاظ که مخلوق و مملوک ذات اقدس الهی است حق تصرف حتی در وجودش را ندارد و نمی‌تواند به خود و مایملک خود ضرر و زیان وارد کند؛

چهار) در هر زمان و مکانی که تشریع و تقنین صورت گیرد دین و شریعتی تازه به وجود می‌آید و این خلاف دستور شرع مقدس و هم برخلاف جاودانگی شریعت اسلام است. از این‌رو در سایه حکومت اسلامی، اطاعت فقط از مقررات الهی بر همه لازم و واجب خواهد بود، نه دیگران که حق تعیین تکلیف برای مسلمین را ندارند.

اما پاسخ این مستندات به‌طور اساسی و مبنایی در دیدگاه‌های موافقان قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، مشخص است. از نظر آنان هر عصری ناگزیر مسائل و موضوعات نوپیدا دارد و هدف از باز بودن باب اجتهاد نیز همین است که فقیهان، احکام موضوعات جدید را استنباط و اجرایی کنند تا احکام الهی از اندراس و تعطیل، محفوظ بماند. هدف از قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، تأسیس آیین و شریعت جدید نیست؛ بلکه تطبیق احکام کلی و فرازمانی شرع مقدس اسلام بر موضوعات متغیر و نوپدید است. از جانبی دیگر وضع قوانین، سهولت در کارهای جامعه و رفع موانعی است که فراروی حکومت اسلامی و مانع حرکت آن به سمت اهداف مقدس دینی می‌شود. از همین جاست که در نظام جمهوری اسلامی ایران، مسؤولیت نظارت بر مصوّبات نمایندگان مجلس تقنینی را فقهای اسلام‌شناس بر عهده دارند (تهامی، ۱۳۹۲: ص ۲۴۳-۲۴۷).

همین‌طور عقل انسان حکم می‌کند که برقراری نظام، اجرای عدالت، تأمین امنیت و مانند این‌ها جز در سایه تقنین مشروع به دست نخواهد آمد. بنابراین، قانون‌گذاری در نظام اسلامی باید باشد تا هیچ موضوع تازه‌ای بدون حکم باقی نماند و به‌علت نبود یا نقص قوانین شرعی در موضوعات جدید، جامعه نیز دچار هرج‌ومرج و بی‌برنامگی نشود. در ضمن، با ایجاد نظام قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، یک هدف مهم دینی و عقلانی

دیگر نیز به طور همزمان به دست می‌آید و آن این است که طعنه مخالفین اسلام، مبنی بر این که «پیروان اسلام توانایی تشریع و تقنین ندارند» یا این که «روح اسلام انعطاف‌پذیر نیست» دفع و بی‌اثر می‌شود.

مبنای فقهی مرحوم میرزای نائینی در حکومت اسلامی

بعد از بیان مبانی مخالفین تقنین در حکومت اسلامی، مناسب به نظر می‌رسد به طور نمونه، دیدگاه و مبنای فقهی یکی از علمای برجسته این عرصه، مورد اشاره گذار قرار گیرد. مرحوم میرزای نائینی، فقیهی نام‌آشنا و برجسته‌ای است که از ضرورت قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، دفاع کرده و می‌توان او را از جمله بزرگ‌ترین مدافعان قانون‌گذاری در حکومت اسلامی به شمار آورد.

از بیانات ایشان در این مورد، چنین استفاده می‌شود گرچه چگونگی اجرای قانون بر عهده حاکم جامعه است، قوه تقنین در حکمت اسلامی باید وضع قوانین منظم که مصالح نوع مردم و نیز رعایت حقوق دیگران در آن‌ها مراعات گردیده باشد سرلوحه کار خویش قرار دهد؛ تا هم آزادی مردم فراهم شود و هم از خیانت به حقوق شهروندان جلوگیری به عمل آید. از نظر ایشان، عمل به وظایف و اموری که مملکت و جامعه را از خطرات و تهدیدات دشمن در امان نگه می‌دارد همچون رساله عملیه است که حفظ آن بر همه مکلفین لازم می‌باشد. از این رو، تدوین قانون اساسی و قانون‌گذاری به گونه‌ای که هم تمام مصالح و نیازهای جامعه را رعایت کرده و هم خلاف دستورات شرع مقدس نیست، مشروعیت دارد. (نائینی، ۱۴۲۴ق: ص ۴۷-۴۹).

تقویت دیدگاه موافقین تقنین در حکومت اسلامی

با مرور و مقایسه دیدگاه موافقان و مخالفان تقنین در حکومت اسلامی، می‌توان براساس دلایل زیر که فشرده استدلال‌های مدافعان قانون‌گذاری است نظر آنان را ترجیح داد و تقویت کرد:

الف) قانون‌گذاری باعث می‌گردد که شریعت و احکامش عملیاتی و به‌روزرسانی شود؛ ب) قوانین موضوعه که از سوی قوهٔ تقنینی جعل و تشریع می‌گردد، مخالف نصوص قطعی اسلامی مثل کتاب و سنت نیست و با استنباط فقها در تضاد نخواهد بود، بلکه تقنین با عنایت به آموزه‌های فقهی و دینی، مستلزم دستیابی سریع و آسان به احکام و مقرراتی که در بستر فقه رشد یافته‌اند می‌گردد؛ ج) مراجعه به قوانین موضوعه، جامعه را از تشتت و اختلاف و فرو افتادن جوامع اسلامی در ورطهٔ تبعیض، اختلاف، اطاعت از هوا و هوس و منافع شخصی، کشوری و مانند این‌ها برحذر می‌دارد.

بنابراین، در حکومت اسلامی، قانون‌گذاری به‌دست افراد متخصص و شایسته، در چارچوب مبانی و اصول مرتبط به تزامم اهم و مهم یا ظهور عناوین ثانویه و قواعدی مثل لاضرر، لاضرر، لاضرر، حفظ دماء و فروج، حفظ نظام و امنیت، رعایت مصالح مهمه، نفی سبیل، حفظ عزت و کرامت مسلمین و مانند این‌ها صورت می‌گیرد و می‌توان مدعی شد که این‌گونه قانون‌گذاری را همگان قبول دارند؛ هرچند در محدودهٔ دایرهٔ تقنین و موارد آن، رویکردها فرق پیدا می‌کنند. البته، قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، همین که با شرع مخالف نباشد کافی است و احراز مطابقت صددرصد آن با شریعت لازم نیست.

نتیجه

در جامعهٔ اسلامی افرادی هستند که قانون‌گذاری را در حکومت اسلامی قبول ندارند؛ از جمله شهید فضل‌الله نوری، اصل قانون‌گذاری را زیر سؤال برده و می‌گوید: در حکومت اسلامی، تشریع و جعل قانون منحصر به خداوند متعال است، و بهترین قوانین، مقرراتی است که خداوند متعال برای مردم و جامعهٔ بشری بیان نموده است. قوانین الهی صرفاً در دایرهٔ عبادات نمی‌چرخد، بلکه به تمام مایحتاج مردم توجه نموده است. زیرا او خالق انسان است و تمام نیازها، سعادت و مصلحت مردم را در هر شرایط و زمان و مکان حتی در حوادث جدید مد نظر گرفته است و می‌داند، وگرنه دین و آیین الهی جامع و کامل نخواهد بود. اما به‌علت محدودیت فهم و درک انسانی و عدم توانایی درک تمام حقایق، عقل آدمی

توانایی وضع قوانینی را بتواند که بشر را به سرمنزل مقصود برساند ندارد.

در پاسخ گفته شده است که با توجه به آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام و عقل سلیم که قانون‌گذاری در حکومت اسلامی را لازم و ضروری می‌داند تقنین در حکومت اسلامی همواره دارای مبانی فقهی معتبر باید باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای بی‌شمار جامعه باشد و در صورت وقوع حوادث، راه حل و راهکارهای مناسب برای پیروان اسلام ارائه نماید و اگر دارای اساس و پشتوانه شرعی نباشد ارزش و اعتباری نخواهد داشت. شرع مقدس اسلام، برای اداره امور فردی اهمیت زیادی قایل است؛ به گونه‌ای که لحظه‌ای راضی به ترک آن‌ها نیست؛ مثل رعایت بهداشت، رعایت امور غُیْب و قُصْر، حفظ مال ایتام و بی‌سرپرستان و کارهای ضروری دیگر. اگر تصور کنیم که چنین دینی، برای امور کلان جامعه و اجتماع و فردای بهتر مردم و مانند این‌ها برنامه‌ای ندارد، معقول نخواهد بود. بر این اساس است که فقهای اسلام و نخبگان و عقلاء، نظر داده‌اند که حفظ نظام از جمله نظام معیشت و اقتصاد واجب است و اختلال در آن‌ها جایز نیست، همین‌طور فراهم‌آوری مقدماتش از جمله قانون‌گذاری نیز واجب می‌باشد. ولی فقیه و حاکم اسلامی طبق حکم عقل صریح و شرع شریف از باب قاعده اهم و مهم یا ضرورت و اضطرار و رفع نیازهای جامعه، هر جا که مصلحتی را اقوی تشخیص دهد حکم ثانوی می‌دهد که بر حکم اولی مقدم است. اگر ولی فقیه و ولی امر در حکومت اسلامی نتواند در باب احکام الزامی و منصوص حکم بدهد و دایره ولایتش محدود در امور غیر الزامی باشد، پس فلسفه وجودی این مقام که تالی تلوی معصوم علیه السلام است و شأن حکومتی و ولایی آن‌ها را دارد در چیست؟ از این‌رو، تشریع و تقنین در سایه حکومت ایشان از جمله احکام اولیه است. امام خمینی رحمته الله در این باره فرموده است اگر دایره حکومت اسلام فقط در حد احکام غیرمنصوص و فرعیه باشد، حکومت جهانی پیامبر عظیم اسلام صلی الله علیه و آله مفهوم و معنا نخواهد داشت. از نظر ایشان حکومت ولی فقیه از جمله احکام اولیه است که بر تمام احکام فرعیه تقدم دارد و می‌تواند حکم منصوصی مثل حج را تعطیل کند و آسیبی هم به شریعت نرسد (خمینی، ۱۳۷۰: ج ۲۰، ص ۴۵۲).

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغة.
- احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، *غوالي اللثالی العزیزة*، دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ق.
- برجی، یعقوبعلی، *ولایت فقیه در اندیشه فقیهان*، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.
- جوادی آملی، عبدالله، *زن در آینه جلال و جمال*، مرکز نشر اسراء، چاپ هجدهم، قم، ۱۳۸۷.
- حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، جامعه مدرسين حوزه علمیه چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ق.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، تحقیق و تصحیح فارس حسون، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- حداد عادل، غلامعلی، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- حشمدار، حمید و جنابزاده، علی اکبر، حکومت و عدالت - *بررسی مناصب اول حکومتی چهار کشور دنیا از دیدگاه حقوقی و سیاسی*، مؤسسه ساحل اندیشه تهران (سات)، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- خمینی، روح الله، *ولایت فقیه* (حکومت اسلامی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۳۷۳.
- _____ *صحیفه امام*، نرم افزار مجموعه آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، قم، ۱۳۷۰.

خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، *اجوبه الاستفتاءات*، انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۰.

دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

دهاقانی، نرجس ابوالقاسمی و ورعی، سیدجواد، *بررسی تطبیقی قانون‌گذاری در آراء شیخ فضل‌الله نوری و میرزای نائینی*، مجله مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل‌وهفتم، شماره ۱۰۳، زمستان ۱۳۹۴.

دکیر، محمدتهامی، *فقه و قانون، قانون‌گذاری احکام شریعت؛ اهمیت، واقعیت و موانع*، گروهی از اندیشمندان و پژوهشگران کشورهای اسلامی، ترجمه سیدحسن نجاتی‌زاده، تهیه مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، نشر زیتنی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.

رحمانی زروندی، محمد، *کرامت انسان در قرآن و روایات*، فصلنامه پژوهشی - علمی کوثر معارف، سال ۶، شماره ۱۳، قم، ۱۳۸۹.

زین‌العابدین، علی بن الحسین علیه السلام، *الصحیفة السجادية*، ترجمه حسین انصاریان، پیام آزادی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۱.

سیفی مازندرانی، علی‌اکبر، *مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهية الأساسية*، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، قم، ۱۴۲۵ق.

شریعتی، روح‌الله، *قواعد فقه سیاسی*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷.

شیرودی، مرتضی، *اندیشه سیاسی مسلمانان*، (نرم‌افزار زمزم ۳ علوم سیاسی)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، قم، ۱۳۷۳.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، *الأمالی*، تحقیق و تصحیح بخش تحقیقات اسلامی مؤسسه بعثت، دار الثقافة، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ق.

عاملی، حرّ، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل‌البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ق.
علیدوست، ابوالقاسم، *فقه و عرف*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.

قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا يحضره الفقيه*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

قمی، محمد بن علی بن بابویه، صدوق، *من لا يحضره الفقيه* - ترجمه علی اکبر غفاری - محمدجواد صدر بلاغی، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۹ق.

کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، تحقیق و تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۴ق.

کعبی، عباس، *تطبيق نظام حقوقی اسلام با حقوق وضعی معاصر*، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم، بیتا.

کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الإسلامية، تحقیق و تصحیح گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ چهارم، قم، ۱۴۰۷ق.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، تحقیق و تصحیح علی شیری، دار الفکر، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.

محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه*، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۴۰۶ق.

معرفت، هادی، *نیازهای جدید تکامل فقه*، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی علیه السلام، «نقش زمان و مکان در اجتهاد» (مجموعه مصاحبه‌ها)، تهران، ۱۳۷۴.

مبلغی، احمد، *فقه و قانون، رابطه فقه و قانون از دو دیدگاه حداقلی و حداکثری*، ترجمه بوذر دیلمی، تهیه مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، نشر زینتی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.

مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الطبع والنشر، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.
منتظری نجف آبادی، حسین علی، *نظام الحكم في الإسلام*، نشر سربابی، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۷ق.

نائینی، میرزا محمدحسین غروی، *تنبيه الأئمة و تنزيه الملة*، تحقیق و تصحیح سیدجواد ورعی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.

